

## جایگاه کاربست احادیث در نظریه پردازی ملاصدرا؛ مطالعه موردی تجرد نفس

سید محمد حسینی نژاد<sup>۱</sup>

احمد ربانی خواه<sup>۲</sup>

حسین آسا<sup>۳</sup>

### چکیده

اثبات تجرد نفس یکی از مباحث کلیدی در حوزه فلسفه اسلامی است. با توجه به آن که دانشمندان مسلمان، عموماً احادیث پیشوایان دینی خود را به عنوان گزاره‌هایی صادق پذیرفته‌اند، «استشادات نقلی» مورد توجه قرار می‌گیرد. این مسأله در آثار صدرالدین محمد شیرازی پررنگ‌تر می‌نماید؛ وی به عنوان حکیمی متأله، سعی داشته «استدلالات عقلی» و «استشادات نقلی» را در کنار هم مورد توجه قرار دهد.

در این مقاله با بررسی اعتباری و تحلیل مضمونی روایات مربوط به اثبات تجرد نفس مندرج در کتاب *النفس الاسفار الاربعه*، به نوع و نحوه استفاده از روایات موجود در آن و نکات قوت و ضعف‌شان پرداخته شده است.

می‌توان فهمید که تعداد کمی از روایات دارای قوت سند و اعتبارند. تحلیل مضمونی حاکی از آن است که تنها ۲۵ درصد از این روایات بر تجرد نفس دلالت آشکار دارند؛ در دیگر موارد، نقص دلالت، بی‌توجهی به معانی لغوی و هم‌خانواده‌های حدیثی و صدور و ذیل احادیث دیده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** تجرد نفس، کتاب النفس، روش حدیثی ملاصدرا، استشهاد نقلی، اعتبارسنجی حدیثی.

۱. مدرس دانشگاه قرآن و حدیث، تهران (نویسنده مسئول) (smhn2006@gmail.com).

۲. مربی دانشگاه پیام نور، تهران، گروه علوم قرآن و حدیث (rabbani\_kh@pnu.ac.ir).

۳. مدرس دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال (asaaramo@gmail.com).

## درآمد

در بحث‌ها و روش‌های اعتبارسنجی حدیث، دو‌گرایش شیعه و اهل سنت عمده‌ترین گرایش‌های موجود هستند. در بررسی سند و اعتبار روایات مندرج در کتاب *النفس الاسفار الاربعه* به این دو‌گرایش حدیثی توجه شده و از منظر هر دو گروه، اعتبار روایات سنجیده شده است.

در این نوشتار، بدون بررسی شرح حال رجالی تک‌تک راویان، تنها اعتبار اسناد از منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت استخراج شده است.

در تحلیل مضمون و مدلول احادیث - که در واقع مهم‌ترین بخش در بررسی روایات به شمار می‌آید - با مدد از منابعی که عین، شبیه یا مضمون روایت در آنها نیز نقل شده است، به تحلیل مضمون روایت و نقد نوع استفاده ملامت‌گرا از آن در مباحث مرتبط پرداخته‌ایم.<sup>۴</sup> در مجموع، در بحث تجرد نفس در کتاب *النفس*، به شانزده روایت استشهد شده است که در ادامه ضمن گزارش فشرده هر روایت، پس از اعتبارسنجی منابع و تحلیل محتوایی هر یک نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

### ۱. «أبیت عند ربی یطعمنی و یسقینی»

#### سبب صدور

برخی از منابع حدیثی شیعه<sup>۵</sup> و اهل سنت<sup>۶</sup> سبب صدور حدیث را نهی مردم از تبعیت از پیامبر ﷺ در مواصله میان دو یا چند روز (نهی از خوردن و آشامیدن در زمان افطار و وصل روزه به روز بعد) دانسته‌اند. در برخی نقل‌ها مضمون این روایت با الفاظ متفاوتی آمده که دو نمونه از آن ذکر می‌شود. افزون بر این، در عموم نقل‌های این روایت، عبارات «انی لست كأحدکم» یا «انی لست کهیئتکم» و همانندهای آن، پیش از عبارت اصلی حدیث آمده

۴. تأکید در این مقاله بر «کتاب النفس» مجموعه *الاسفار الاربعه* (جلد هشتم به تصحیح بنیاد حکمت صدر و جلد نهم به تصحیح دار احیاء التراث العربی) است. به دلیل اختلاف در شماره جلد نسخه‌های منتشر شده توسط این دو ناشر، برای جلوگیری از تشتت در ارجاع به این جلد از اسفار، در تمامی بخش‌های مقاله از این جلد با عنوان «کتاب النفس» یاد می‌کنیم، اما از آنجا که منبعی را که از آن نقل می‌کنیم، نسخه دار احیاء التراث العربی است، در ارجاع جلد نهم را ذکر می‌کنیم.

۵. *بحار الانوار*، ج ۱۶، ص ۳۹۰.

۶. *صحیح مسلم*، ج ۳، ص ۱۳۳.

است. این دو عبارت - که در نقل ملاصدرا ذکر نشده است - مدلول مورد نظری را به نحو قابل توجهی تغییر می دهد که در انتهای بررسی این حدیث بدان اشاره خواهیم کرد.

... و اما التخفیفات: ... قیل له: إنک تواصل، فقال: إنی لست كأحدکم، إنی أظلم عند ربی یطعمنی ویسقینی...<sup>۷</sup>

أخبرنا علی بن أحمد... قالوا: فإنک تواصل یا رسول الله! قال: إنی لست کهیئتکم ان لی مطعماً یطعمنی و ساق یسقینی...<sup>۸</sup>

### وضعیت سند و اعتبار صدور

این روایت و مشابهات آن در منابع حدیثی شیعی، در کتب الخرائج و الجرائح،<sup>۹</sup> عوالی اللئالی<sup>۱۰</sup> و چندین جلد بحار الأنوار<sup>۱۱</sup> ذکر شده است، اما در هیچ کدام نقل حدیث به همراه سند و سلسله روایت آن نبوده است. در منابع روایی اهل سنت با طیف وسیعی از سلسله روایت مختلف و در کتب معتبر و نیمه معتبر<sup>۱۲</sup> آنان، مانند مسند احمد،<sup>۱۳</sup> صحیح صحیح مسلم،<sup>۱۵</sup> سنن الدارمی<sup>۱۶</sup> و سنن الترمذی<sup>۱۷</sup> مواجهیم. با توجه به نگاه حدیثی عموم اهل سنت در باره منابع معتبرشان، صحت صدور روایت از پیامبر ﷺ از نگاه ایشان مورد تأیید است.

۷. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۹۰.

۸. سنن الکبری، ج ۴، ص ۲۸۲.

۹. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۴-۹۰۵.

۱۰. عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۲۳۳.

۱۱. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۰۸؛ ج ۱۶، ص ۳۹۰؛ ج ۱۷، ص ۲۵۰-۲۶۵ و ج ۶۴، ص ۲۵۲-۲۵۳ (در برخی جلدها تفاوت اندکی در نقل مشاهده می شود؛ مانند: «أظلم عند ربی» و «أبیت عند ربی»).

۱۲. منظور از کتب معتبر روایی آن دسته از کتب روایی است که در نگاه دانشیان حدیث روایات ثبت شده در آن معتبرتر از دیگر منابع است؛ برای نمونه صحاح سته اهل سنت در نگاه عالمان حدیث شناس اهل سنت و کتب اربعه حدیثی شیعه در نگاه عالمان حدیث شناس شیعی در زمره منابع معتبر حدیثی قلمداد شده اند؛ هر چند این ارزیابی فی الجمله است، نه تک تک روایات آن منابع. و نیز در میزان اعتبار، رتبه بندی و ملاک های ارزیابی میان رجال شناسان و حدیث پژوهان هر دو گروه گفت و گواست.

۱۳. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۴.

۱۴. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ ج ۸، ص ۳۲ و ۱۳۱-۱۳۲.

۱۵. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۳.

۱۶. سنن الدارمی، ج ۲، ص ۸.

۱۷. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۳۹.

### نحوه استفاده ملاصدرا از روایت در بحث تجرد نفس

حلقه ارتباطی این بحث با بحث تجرد نفس در اثر دیگری از ملاصدرا با عنوان *المبدأ و المعاد* - که این روایت نیز در آن آمده - وضوح بیشتری یافته است:

أبیت عند ربی يطعمنی ویسقینی فهذه الأحادیث مما یؤذن بشرف النفس و جلالتها و قربها من بارئها قرباً بالذات و الصفات و المفارقة عن علائق الأجرام و عوائق الأجسام.<sup>۱۸</sup>

بنا بر این عبارت حلقه ارتباطی، شرافت، جلالت و نزدیکی نفس به خداوند از جهت ذات و صفات و مفارقت از جسمانیت است که موجب دلالت حدیث بر تجرد نفس شده است. بر این اساس دلالت حدیث، نزدیکی پیامبر ﷺ به ذات اقدس پروردگار و مشابهتی است که میان نفس انسانی و ذات الهی ترتیب داده شده است؛ بر این مبنای ذات خداوند فارغ از مادیت و جسمانیت بوده، نفس انسان نیز مجرد از ماده است. بیان این سلسله دلالت با مقدمات زیر روشن‌تر می‌شود:

• نزدیکی و قرابت نفس پیامبر ﷺ با خداوند

• مفارقت خداوند از مادیت

• مشابهت ذاتی و صفاتی نفس پیامبر ﷺ با خداوند

• مفارقت نفس پیامبر ﷺ از مادیت

• شمول نفوس انسانی بر نفس پیامبر ﷺ

• تجرد نفس انسانی از مادیت

با این مقدمات ذکر شده استدلال بدین شکل برقرار می‌شود:

• نفس پیامبر ﷺ با خداوند قرابت و نزدیکی دارد.

• به سبب قرابت نفس پیامبر ﷺ با خداوند، باید یک سری صفات در آنها مشترک باشد.

• صفت تجرد از ماده - که در خداوند وجود دارد - از جمله صفات مشترک میان پروردگار و پیامبر ﷺ است.

در این نحوه دلالت سه نکته قابل ذکر است:

۱. در باره مشابهت ذاتی و صفاتی نفس پیامبر ﷺ با خداوند و نتیجه‌گیری از آن - که

صفت تجرد از مادیت در هر دو مشابه باشد - تأمل بیشتری لازم است. روشن است که

پیامبر ﷺ و خداوند در همه صفات مشترک نخواهند بود. با این همه، اثبات مشابهت میان

۱۸. *المبدأ و المعاد*، ص ۴۱۲.

برخی صفات نبوی و ربوبی منجر به اثبات تشابه میان تمامی صفات از جمله تجرد نفس نخواهد شد.

۲. با فرض قبول این که نفس پیامبر ﷺ مجرد از ماده باشد، آیا می‌توان این تجرد را به سایر انسان‌ها سرایت داد؟ تنها راه برای پاسخ مثبت به این پرسش آن است که این ویژگی را ذاتی نفس دانست، نه عرضی آن؛ اما پیش از اثبات این ویژگی برای نفس، به دلیلی برای اثبات ذاتی بودن آن اشاره نشده است.

۳. در عموم نقل‌های این روایت، عبارات «إني لست كأحدكم» یا «إني لست كهيئتكم» و همانندهای آن، پیش از عبارت اصلی حدیث آمده است. بر فرض این که ما از این روایت تجرد نفس پیامبر را از ماده و جسم نتیجه بگیریم، با وجود این عبارات، می‌توان فرضی را مطرح کرد که این تجرد تنها مختص به پیامبر ﷺ باشد.

## ۲. «أنا النذير العريان»

این عبارت قسمتی از یک روایت نسبتاً طولانی از پیامبر ﷺ است که به عنوان اصطلاح و مثل در عرب برای کسی مرسوم شده است که بخواهد شدت و عمق انذار را به اطرافیان نشان دهد؛ بدین صورت که البسه خود را در می‌آورد و دور سر خود می‌چرخاند تا به افراد قبیله نشان دهد دشمن یا هر چیز دیگری آنها را تهدید می‌کند. پیامبر ﷺ نیز خود را به همین شخص تشبیه کرده تا شدت و عمق انذار خود را به امت نشان دهد.<sup>۱۹</sup>

### وضعیت سند و اعتبار صدور

در هیچ کدام از منابع حدیثی شیعه متن کامل این روایت از معصوم نقل نشده است و تنها ضمن نقل و استفاده از آن از منابع اهل سنت اعتراضی به مضمون روایت نشده و تلویحاً پذیرفته شده است.<sup>۲۰</sup> در منابع تفسیری و سیره نیز فقط اشارتی بدان شده است.<sup>۲۱</sup> این روایت در دو منبع معتبر حدیثی اهل سنت به همراه سند کامل نقل شده است.<sup>۲۲</sup>

۱۹. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۴۰.

۲۰. الولاية التكوينية لآل محمد ﷺ، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ شرح الأسماء الحسنی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲۱. تفسیر آلوسی، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۲۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۶۳؛ صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۴۰.

## نحوه استفاده ملاصدرا از روایت برای اثبات تجرد نفس

## دلالت روایت

دلالت این روایت بر تجرد نفس در این جلد از *سفار* (کتاب النفس) روشن نشده است، اما ملاصدرا در کتاب دیگری این بخش از روایت را به همین شیوه آورده و واژه عریان را به معنای «عریاً عن الاحیاز و الامکنه»<sup>۲۳</sup> دانسته و آن را دال بر تجرد نفس پنداشته است:

... و أما الأخیار، فقد روی عن النبی ﷺ: أنا النذیر العریان. وهذا إشارة إلى تجرد النفس عن علائق الأجرام... فلو لم یکن بینہ تعالی و بین النفس من المناسبة، ما لم یکن بینہ و بین الأجسام ما شرط ﷺ معرفة الرب بمعرفة النفس، و تلك المناسبة هی كونها جوهرًا عریاً عن الأھیاز و الأمکنه.<sup>۲۴</sup>

آن گونه که ذکر شد، عبارت «انا النذیر العریان» قسمتی از یک روایت است؛ نه آن که خود به تنهایی روایت باشد. در *لسان العرب*<sup>۲۵</sup> و *تاج العروس*،<sup>۲۶</sup> پس از ذکر معنای لغوی عریان و مشتقات آن، به توضیح معنای اصطلاحی «النذیر العریان» پرداخته شده است. آنچه در *لسان العرب* در این باب آمده، تقریباً همانی است که در متن کامل حدیث نیز آورده شده است؛ اما چیزی که افزون بر آن ذکر شده، توضیحی است که در وجه تسمیه صفت «عریان» برای نذیر آمده است:

... خص العریان لأنه أبین للعین و أغرب و أشنع عند المبصر...؛<sup>۲۷</sup>

عریان بدین سبب به نذیر اختصاص یافته چون آن برای چشم مبین تراست و برای بیننده غریب تر (واضح تر) و فاحش تر به نظر می‌رسد.

یعنی بدان سبب «عریان» صفتی مناسب برای «نذیر» است که لخت بودن اندازار را بیشتر جلوه‌گر می‌کند و در واقع، این صفت نوعی تأکید بر شدت اندازار است. این معنا با آنچه بعداً ملاصدرا در تعبیر این عبارت و نهایتاً دلالت خود بر تجرد نفس می‌آورد، کاملاً متفاوت است. سوء تعبیر ایشان در نسبت دادن معنای تجرد از ماده و جسمانیت به لفظ «عریان» باعث شده برخی از کسانی که پس از وی این روایت را نقل کرده‌اند، از جمله ملاهادی سبزواری نیز

۲۳. المبدأ والمعاد، ص ۴۱۱.

۲۴. همان، ص ۴۱۱-۴۱۲.

۲۵. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۸.

۲۶. تاج العروس، ج ۷، ص ۵۱۸.

۲۷. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۸.

دچار همین اشتباه شوند و «عریان» را در این روایت به معنایی خارج از معنای لغوی آن نسبت دهند.<sup>۲۸</sup> علت وقوع این اشتباه آن است که یا صدرالمتألهین اطلاعی از صدر و ذیل این حدیث نداشته است یا بر فرض اطلاع، در تعبیر آن دقت کافی نکرده است. مؤید این ادعا منابعی هستند که این روایت را به طور کامل نقل کرده‌اند و در هیچ کدام از آنها تعبیری خارج از معنای لغوی و اصطلاحی نیامده است.

### ۳. «خلق الله الأرواح قبل الأجساد بالفی عام»

#### کیفیت نقل حدیث در اسفار

این روایت در دو جا و برای اثبات دو مبحث در اسفار نقل و استفاده شده است: یکی مبحث تجرد نفس و دیگری حدوث و قدم نفس. با توجه به اعتقاد ملاصدرا در باره جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس، مضمون روایت با مدلول واحد (وجود روح پیش از آفرینش بدن) در بحث تجرد نفس مورد تأیید،<sup>۲۹</sup> ولی در بحث حدوث و قدم نفس، مورد تردید قرار گرفته است.<sup>۳۰</sup>

#### وضعیت اعتبار روایت نزد شیعه و اهل سنت

این روایت از جمله روایاتی است که اختلاف نسبتاً شدیدی میان شیعه و اهل سنت و حتی میان عالمان شیعه در اعتبار صدور آن وجود دارد. علل اصلی این اختلافات در دو مسأله است:

۱. علت اختلاف میان شیعه و اهل سنت در دنباله بسیار طولانی روایت در منابع شیعی در وصف تأییدی امام علی علیه السلام و اهل بیت است که باعث شده برخی از عالمان حدیثی اهل سنت همچون ابن جوزی، عجلونی و ابن حجر اصل روایت را نیز رد می‌کنند.<sup>۳۱</sup>
۲. اختلاف در شیعه مبتنی بر مضمون آن بر تأیید تناسخ است که عده‌ای از عالمان حدیثی شیعه همچون شیخ مفید بر این اعتقادند که این روایت مؤید عقیده به تناسخ است؛ لذا صدور آن را از معصوم مورد تردید قرار می‌دهند.<sup>۳۲</sup>

۲۸. شرح الأسماء الحسنی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲۹. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۵-۳۰۷.

۳۰. همان، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۳۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۲۰-۳۲۳ و ج ۴، ص ۴۱-۴۲.

۳۲. تصحیح اعتقادات الإمامیة، شرح ص ۸۱.

در منابع حدیثی شیعی شیخ مفید<sup>۳۳</sup> و شیخ صدوق<sup>۳۴</sup> این حدیث را با سلسله سند نقل کرده‌اند که هر دو در بحار الأنوار نیز منعکس شده،<sup>۳۵</sup> اما در باره سند آن قضاوتی نشده است. ابن جوزی، عالم رجالی اهل سنت، این روایت را جزو مصادیق روایات جعلی دانسته است.<sup>۳۶</sup> نیز در کتاب حدیثی کشف الخفاء خدشه‌هایی به اسناد این روایت وارد شده است.<sup>۳۷</sup> صاحب لسان المیزان به شدت به راویان این روایت حمله کرده است.<sup>۳۸</sup> به نظر می‌رسد اعتراض ورد عموم محدثان و رجالیان اهل سنت به این روایت بیشتر به قسمت دوم آن، وصف تأییدی امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام باشد که تنها در منابع شیعی نقل شده است. محتمل است که محدثان اهل سنت بخش دوم را به دلیل توصیف امام علی نیاورده‌اند و بخش نخست را نیز به خاطر عدم تمکین به مضمون بخش دوم، رد کرده‌اند. با این حال، آنچه که مورد استشهاد ملاحظه‌ها در اسفار است، همان قسمت اول، یعنی «خلق الله الارواح قبل الاجساد بالفی عام» است.

#### دلالت روایت

دلالت روایت بر تجرد روح و نفس انسانی در مضمون این روایت کاملاً واضح و روشن است. نکته‌ای که می‌ماند، برخوردی است که ملاحظه‌ها با این مضمون روایت در رد تقدم نفس بر جسم دارد. دلیل این برخورد دوگانه، دلالت مستقیم مضمون این روایت هم بر تجرد نفس و هم بر تقدم نفس بر جسم است که یکی موافق مسلک ملاحظه‌ها و دیگری مخالف مسلک او است. با آن که ملاحظه‌ها سعی دارد به نوعی مضمون این روایت را به مدلولی دیگر مرتبط سازد،<sup>۳۹</sup> با این حال، یکی از قوی‌ترین ادله نقلی را برخلاف عقیده خود در جسمانیة الحدوث بودن نفس طرح می‌کند.

#### ۴. «رب أرني الأشياء كما هي»

در جست و جوی سندی، نه تنها سند این روایت در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل

۳۳. الامالی، ص ۱۱۴.

۳۴. معانی الاخبار، ص ۱۰۸.

۳۵. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۲۰-۳۲۳ و ج ۴، ص ۴۱-۴۲.

۳۶. الموضوعات، ج ۱، ص ۴۰۱.

۳۷. کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۳۸. لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۶۱-۲۶۲.

۳۹. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۷۲-۳۷۳.



سنت به چشم نمی خورد، بلکه حتی ذکر بدون سند آن در منابع حدیثی، تنها در عوالی اللئالی<sup>۴۰</sup> وجود دارد. بقیه نقل ها در منابع غیر حدیثی بوده و حتی برخی نقل این روایت را نه به عنوان یک حدیث، بلکه فقط به عنوان یک عبارت دعایی آورده اند.<sup>۴۱</sup>

### استفاده ملاصدرا از روایت در اثبات تجرد نفس

ملاصدرا در توضیح پس از نقل روایت، رؤیت را به معنای علم شهودی در نظر گرفته است؛ بدین طریق که با چشم مادی نمی توان حقایق اشیا را مشاهده کرد، لاجرم نفس در حال تجرد حقایقی را می بیند.<sup>۴۲</sup> بنا بر این، حلقه ارتباطی مدلول این روایت با مبحث تجرد نفس بحث علم شهودی است.

ملاصدرا با مدد از سه مرحله ۱. علم شهودی پیامبر ﷺ، ۲. تجرد نفس پیامبر ﷺ در حال علم شهودی، ۳. عمومیت دادن این قاعده (تجرد نفس پیامبر ﷺ در حال رویت شهودی به تمامی نفوس انسانی)، تجرد نفس انسانی را اثبات می کند. با جست و جودر دیگر آثار ملاصدرا در باره تبیین علم شهودی،<sup>۴۳</sup> ویژگی بارز این علم فراغت از عوارض و لوازم مادیت و جسمانیت معرفی می شود. بنا بر این، خود به خود با اثبات این علم، تجرد نفس پیامبر ﷺ از ماده نیز اثبات می شود.

اما در باره عمومیت دادن این قاعده که اگر بر فرض این که نفس پیامبر ﷺ مجرد است، بتوان تجرد تمامی نفوس انسانی را نتیجه گرفت، در بررسی مضمونی روایت «آیت عند ربی یطعمنی و یسقینی» نکاتی ذکر شد که به همانجا احاله می شود.

### ۵ و ۶. «قلب المؤمن عرش الله» و «قلب المؤمن بین إصبعین من أصابع الرحمن»

این دو روایت در کتاب النفس در یک مبحث برای استشهاد به تجرد نفس و در کنار هم به کار رفته است.<sup>۴۴</sup> از نگاه ملاصدرا هر دو روایت مدلول واحدی دارند.

### وضعیت سند و اعتبار روایات

با نظربه بررسی های صورت گرفته در اعتبار این دو روایت، به نظر می رسد روایت «قلب

۴۰. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۳۲.

۴۱. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۰۸.

۴۲. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۶.

۴۳. المبدأ و المعاد، ص ۲۴۹؛ الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۲، ص ۲۰-۲۱ و ج ۳، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۴۴. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۵-۳۰۷.

المؤمن بین إصبعین من أصابع الرحمان» نزد عالمان حدیث شیعه و اهل سنت از مقبولیت نسبی برخوردار است.<sup>۴۵</sup> مضمون روایت «قلب المؤمن عرش الله» در منابع حدیثی شیعه با عبارت «قلب المؤمن عرش الرحمن»، با صیغه «رُوی» و بدون سند ذکر شده است.<sup>۴۶</sup> نقل آن در اهل سنت نیز تنها در یک منبع است که آن هم به جعلی بودنش تصریح شده است.<sup>۴۷</sup> با این همه، با توجه به این که مدلول این دو روایت نزد ملامت‌در تقریباً یکی است، در بررسی مدلولی آن دچار چالش جدی نخواهیم بود.

### بررسی مضمون و مدلول روایت

در بررسی مضمونی و مدلولی این روایت دو نکته قابل توجه است:

#### ۱. دوگانگی مضمونی و وحدت مدلولی دو روایت نزد ملامت‌در

با اندکی دقت در مضمون این دو روایت تفاوت مهمی مشاهده می‌شود. روایت «قلب المؤمن عرش الله» به احاطه قلب مؤمن بر هستی و کائنات اشاره دارد، اما بنا بر روایت «قلب المؤمن بین إصبعین من أصابع الرحمان»، قلب مؤمن میان اراده الهی محبوس است. به دیگر سخن، در روایت اول جنبه اختیار و در روایت دوم جنبه جبر قوی ترمی نماید. اما مسأله مهم در این جا استفاده ملامت‌در از این دو روایت در بحث تجرد نفس است که تقریباً ارتباطی با تفاوت مضمونی این دو روایت ندارد و با یک مدلول واحد قصد اثبات تجرد نفس دارد. مدلول این دو روایت قلب صنوبری انسانی نیست، بلکه همان نفس و روح است که برخلاف ظاهر این دو روایت، مجرد از ماده و لوازم جسمانی است. بر این اساس، این تفاوت مضمونی در بحث مربوط به تجرد نفس مداخلیتی نخواهد داشت.<sup>۴۸</sup>

#### ۲. اشکال در برداشت از مدلول اصلی

مراد اصلی در این دو روایت تنها توصیف وضعیت انسان مؤمن در برابر خداوند است که برای افزودن بر بلاغت کلام در قالب دو تشبیه آمده است. تشبیه قلب مؤمن به عرش یا قرار گرفتن میان دو انگشت خداوند در این روایت بدین معناست و همه در مقام تشبیه است تا بلاغت کلام را بالا ببرد؛ بیشتر از آن، چیزی که صدرالمتألهین برای اثبات تجرد نفس از آن

۴۵. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۹۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۲۵۰-۲۵۱.

۴۶. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۹؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۱، ص ۲۵۴ و ج ۱۲، ص ۲۳۰.

۴۷. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۱۰۰.

۴۸. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۷.

برداشت می‌کند، با توضیحاتی که گفته آمد، نامرتب است.

## ۷. «لی مع الله وقت لا یسعی فیہ ملک مقرب ولا نبی مرسل»

### وضعیت سند و اعتبار روایت

از میان کتب حدیثی شیعه در بحار الانوار اشاراتی به این روایت شده، بدون آن که ذکر از سند به میان آمده باشد.<sup>۴۹</sup> هیچ یک از منابع حدیثی اهل سنت نیز به سند این روایت اشاره‌ای نکرده‌اند و تنها آن را به عنوان حدیثی مشهور آورده‌اند.<sup>۵۰</sup> سخن از اعتبار این روایات به بحث «اعتبار روایات بدون سند» مربوط می‌شود و با توجه به تطبیق مباحث نظری با این حدیث می‌توان مضمون این روایت را با توجه به هم مضمونی آن با دیگر روایات مشابه و دارای سند از جمله «ابیت عند ربی یطعمنی ویسقینی» با تسامح پذیرفت؛ اما در این که این روایت با همین الفاظ از معصوم صادر شده است، نمی‌توان به طور قطع اظهار نظر کرد.

### دلالت روایت

با توجه به این که این روایت و روایت «ابیت عند ربی یطعمنی ویسقینی» در سفر برای استدلال به تجرد نفس در یک گروه آمده، همچنین به لحاظ مضمونی مشابه روایت ذکر شده است، در بررسی محتوایی این روایت آنچه که می‌توان در این جا ذکر کرد، تقریباً همان مواردی است که در بررسی حدیث «ابیت عند ربی یطعمنی ویسقینی» بیان شد.

## ۸. «... ما كنت اعبد ربا لم أره... لا تدرکه العیون فی مشاهدة الابصار و لكن رأته القلوب بحقائق الایمان»

### وضعیت سند و اعتبار روایت

این روایت با نقل‌هایی نسبتاً یکسان در کتب معتبر روایی شیعی با ذکر سند نقل شده است.<sup>۵۱</sup> گفتنی است با وجود کثرت نقل در مصادر شیعی، این روایت در هیچ کدام از

۴۹. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۴۳.

۵۰. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۵۱. الکافی، ج ۱، ص ۹۷-۹۸؛ التوحید، ص ۱۱۸؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۰۴-۳۰۶.

این روایت با عباراتی هم مضمون در نهج البلاغه نیز آمده است: «ومن کلام له علیه السلام وقد سأله ذعلب الیمانی، فقال: هل رأیت ربک یا أمیر المؤمنین! فقال ﷺ: أفاعبد ما لا أری، فقال: و کیف تره، فقال: «لَا تُدْرِكُهُ الْعُیُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعِیَانِ وَ لَکِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِیْمَانِ» (نهج البلاغه، کلام ۱۷۳).

مصادر حدیثی اهل سنت نقل یا حتی نقد هم نشده است تا بتوان در باره اعتبار آن به قضاوت نشست.

### دلالت روایت

این روایت از جمله قوی‌ترین ادله نقلی است که صدرالمتألهین در اثبات تجرد نفس آورده است. دلالت این روایت آن قدر روشن و واضح است که ایشان تنها یک جمله در توضیح آن آورده است:

و الرؤیة العقلیة لا یمكن بقوة جسمانیة.<sup>۵۲</sup>

یعنی قوه این رویت، غیر جسمانی (چیزی که آن را نفس یا روح می‌نامند) است، بنا بر این، بالطبع نباید از جنس جسم و ماده باشد.

### ۹. «من رأنی فقد رأی الحق»

#### وضعیت سند و اعتبار روایت

این روایت در دو منبع معتبر اهل سنت (صحیح مسلم و صحیح البخاری) با دو سلسله از ابوهریره و ابوقتاده انصاری نقل شده است.<sup>۵۳</sup> بر مبنای اعتبارسنجی روایات در اهل سنت و صحیح دانستن تمامی روایات موجود در صحیحین، این روایت معتبر خواهد بود. در منابع حدیثی شیعه تنها در دو جای کتاب بحار الانوار این روایت با سند نقل شده<sup>۵۴</sup> در جای دوم به نقل از اهل سنت است.<sup>۵۵</sup> با این حال، نوع نقل این روایت در بحار الانوار به گونه‌ای است که در مضمون آن مخالفی مشاهده نمی‌شود.

### دلالت روایت

از این روایت دو معنا قابل برداشت است: معنای اول، رؤیت بصری پیامبر ﷺ همانند رؤیت معنوی پروردگار است. با این معنا شرافت و قرابت نفس پیامبر ﷺ به آسانی اثبات می‌شود. در معنای دوم، با نظر به هم خانواده‌های این روایت در کتب حدیثی<sup>۵۶</sup> و شواهد

۵۲. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۵-۳۰۷.

۵۳. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۵۴.

۵۴. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۴؛ ج ۵۸، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۵۵. همان، ج ۵۸، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۵۶. همان، ج ۵۸، ص ۲۳۴.

کتب لغت در معنای واژه «حق»،<sup>۵۷</sup> مفهوم واژه «الحق» در این روایت به معنای پروردگار کم رنگ می‌شود. دلیل این مدعا آن است که در هیچ یک از روایات مشابه، سخنی از حق به معنای پروردگار نیامده است، بلکه احتمال دارد به معنای «حقاً» یا «بحق» باشد.

با بررسی‌های صورت گرفته این نتیجه حاصل می‌شود که معنای دوم به معنای مستفاد از حدیث بسیار نزدیک‌تر باشد. با این فرض، تنها می‌توان شرافت نفس پیامبر ﷺ را نتیجه گرفت و قرابت ایشان به پروردگار گرچه از طرق دیگر مسلم به نظر برسد، ولی از این حدیث نمی‌توان این ادعا را اثبات کرد و چون طریق استدلال ملاصدرا برای اثبات مجرد در این دست روایات به گونه‌ای است که در حد وسط سلسله دلالت‌ها، «وجود قرابت نفس به خداوند» لازم است، نمی‌توان از این روایت با معنایی که ذکر کردیم، مجرد نفس را اثبات کرد.

#### ۱۰ و ۱۱. «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و «أعرفكم بنفسه أعرفكم بربه»

این دو نقل از روایت، از جمله مشهورترین روایات در میان کتب مختلف حدیثی، اعتقادی، فلسفی و کلامی است.

علاوه بر آن، از این دو نقل استفاده‌های بسیاری در کتب مختلف عرفانی و اعتقادی شده است؛ برای نمونه تنها در کتاب *الفتوحات المکیه* ۷۱ مرتبه از عین الفاظ این دو روایت استفاده شده است.<sup>۵۸</sup> همچنین آقا بزرگ تهرانی در کتاب *الذریعه* - که به معرفی آثار علمی شیعیان پرداخته است - دوازده کتاب از بزرگان مختلف در شرح این حدیث معرفی کرده است.<sup>۵۹</sup>

#### وضعیت سند و اعتبار روایت

در بررسی سندی این دو روایت، هم در منابع حدیثی اهل سنت و هم در منابع حدیثی شیعه سلسله سندی که بتوان از طریق آن، روایت را به یکی از معصومین متصل و اعتبار آن را بررسی کرد، یافت نشد. بنا بر این، قضاوت در باره اعتبار این روایت باید با قرینه‌ها و شواهدی غیر از سند اثبات شود. از جمله قرینه‌ها و شواهد غیر سندی برای پذیرش مضمون

۵۷. *لسان العرب*، ج ۱، ص ۵۰.

۵۸. *الفتوحات المکیه*، ج ۱، ص ۶۳، ۱۰۵، ۱۰۹؛ ج ۲، ص ۳۴، ۴۰، ۱۵۳، ۲۹۸؛ ج ۳، ص ۴۴، ۷۳، ۱۰۱، ۴۰۴، ۴۵۸؛ ج ۴، ص ۵۵، ۱۷۳، ۲۴۵، ۳۶۷.

۵۹. *الذریعه*، ج ۲، ص ۱۸۹، ۲۱۲؛ ج ۱۳، ص ۲۰۸؛ ج ۱۹، ص ۳۵۲؛ ج ۲۰، ص ۱۹؛ ج ۲۱، ص ۱۹۰، ۲۵۷؛ ج ۲۲، ص ۱۲۹؛ ج ۲۴، ص ۲۶۳.

این دو روایت می‌توان به همسویی این روایات با آیات قرآن<sup>۶۰</sup> و فراوانی ذکر این دو روایت در منابع معتبر و نیمه معتبر اشاره کرد. به باور برخی حدیث پژوهان اهل سنت، روایت «من عرف نفسه فقد عرف ربه» روایتی «موضوع» و «ثابت نشده» است.<sup>۶۱</sup> با این همه، در بیشتر نگاشته‌های صوفیان این روایت نقل شده است تا بدان جا که رنگ و بوی حدیث به خود گرفته است.<sup>۶۲</sup>

### کیفیت استفاده ملاصدرا از روایت در بحث تجرد نفس

از آنجا که ملاصدرا نفس انسانی را وسیله‌ای برای معرفت به رب قرار می‌دهد، شرافت و برتری نفس حاصل می‌شود<sup>۶۳</sup> و این شرافت، سبب اثبات ویژگی تجرد از جسمانیت و مادیت برای نفس می‌شود. به سبب واحد بودن مدلول این روایت، همان نکات و اشکالات پیش گفته در بررسی مضمونی روایت «ابیت عند ربی یطعمنی و یسقینی» در این جا نیز صدق می‌کند.

## ۱۲. «المؤمن أعظم قدراً عند الله من العرش»

### وضعیت سند و اعتبار روایت

لفظ این روایت به جز/سفر در هیچ کدام از منابع حدیثی و غیر حدیثی نیامده است. تنها راه برای بررسی اعتبار این روایت رجوع به روایات هم مضمون است. ملاصدرا این حدیث منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به صورت «إن قلب المؤمن اعظم من العرش» نیز روایت کرده است.<sup>۶۴</sup> همچنین روایت «قلب المؤمن عرش الله» یکی از روایات هم مضمون است که در صورت صحت سند و اعتبار می‌تواند راه‌گشا باشد. این روایت و مشابهات آن در همین مقاله مورد بررسی قرار گرفته است،<sup>۶۵</sup> ولی نه تنها سندی برای آن یافت نشده، بلکه همان گونه که ذکر آن گذشت، برخی منابع رجالی اهل سنت به مجعول بودن آن رأی داده‌اند. از

۶۰. سوره سجده، آیه ۵۳؛ سوره ذاریات، آیه ۲۱؛ سوره حشر، آیه ۱۹.

۶۱. تذکرة الموضوعات، ص ۱۱؛ کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۶۲ (در هر دو منبع بنا بردآوری ابن تیمیه و به گفته نووی نقل شده است).

۶۲. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۶۲.

۶۳. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۵-۳۰۹.

۶۴. همان، ج ۴، ص ۳۰۱.

۶۵. حدیث شماره ۵ در همین مقاله.

این رو، اعتبار این روایت هم در لفظ و هم در مضمون، مخدوش است.

### کیفیت استفاده ملاصدرا از روایت در بحث تجرد نفس

ملاصدرا در توضیحات خود ذکر می‌کند که طبق مضمون این روایت مؤمن قدر و منزلتی والاتراز عرش نزد خداوند دارد و از آنجا که این عظمت نمی‌تواند مادی و جسمی تلقی شود و در قوه‌ای از اعضای مؤمن محصور شود، بدین جهت این نفس و روح غیرمادی و غیرجسمانی او است که نزد خداوند والاتر و بالاتراز عرش است.<sup>۶۶</sup> اشکالی که در این نحوه استدلال وجود دارد، آن است که نمی‌توان لزوماً بزرگی و عظمت مؤمن را به نفس یا روح او نسبت داد و بدین طریق غیرمادی بودن آن را اثبات کرد. این که قدر مؤمن نزد پروردگار از عرش هم بالاتر است، بدان معنا نیست که این عظمت چون مادی نیست و در قوه‌ای از اعضای بدن جسمانی مؤمن قرار نمی‌گیرد، پس لزوماً باید چیزی غیرمادی و غیرجسمانی در او باشد تا این عظمت را بدان نسبت داد.

### ۱۳. «قلعته بقوة ربانية لا بقوة جسمانية»

#### سبب صدور

در باره سبب صدور این روایت نقل‌های فراوانی در کتب تاریخ، سیره و مصادر عقاید شیعه وجود دارد. این روایت از حضرت علی علیه السلام پس از فتح قلعه خیبر و گشودن باب آن صادر شده است. داستان جنگ با قوم یهود ساکن در این قلعه نیز در مصادر بسیاری نقل شده است که بیشتر آنها در منابع نگاشته شده به وسیله نگارندگان شیعی یا مستبصرین اهل سنت است.<sup>۶۷</sup>

#### وضعیت سند و اعتبار روایت

این روایت یا مشابهات آن در مصادر حدیثی اهل سنت به جز یک منبع - که نگاشته یکی از مستبصرین اهل سنت است<sup>۶۸</sup> - نقل نشده است. در مصادر حدیثی شیعه، با وجود ذکر مکرر آن در کتب حدیث، عقاید و سیره هیچ‌گونه مدرکی دال بر وجود سلسله روایت مشخص برای این روایت وجود ندارد. با این وصف، در اتصال این حدیث به حضرت

۶۶. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۹، ص ۳۰۷.

۶۷. شرح مئة کلمة لأمیر المؤمنین، ص ۲۵۶ - ۲۵۷.

۶۸. الإمامة وأهل البيت، ج ۲، ص ۱۷۲.

علی علیه السلام یا یکی دیگر از معصومان تردید وجود دارد. البته باید تأکید کنیم که تمرکز بررسی ما در این جا، نقل این عبارت به عنوان حدیثی صادر شده از امام علی علیه السلام پس از فتح خیبر است، نه اصل واقعه و حواشی تاریخی آن.

### کیفیت استفاده ملاصدرا از روایت در بحث تجرد نفس

ملاصدرا ممکن نبودن این عمل را (برکندن باب قلعه خیبر) با قوای جسمانی و انتساب آن به قوای ربانی برای اثبات تجرد نفس انسانی از علایق مادی و جسمانی کافی می‌داند. در منابعی که این روایت را شرح کرده یا مورد استناد قرار داده‌اند، دو رویکرد وجود دارد: ۱. انقطاع از عالم اجسام و اتصال به عالم روحانی،<sup>۶۹</sup> ۲. تصرف اراده الهی در روح و جان.<sup>۷۰</sup> اما دلالت مضمون روایت، خود برای اثبات این تجرد کافی به نظر می‌رسد؛ هر چند عدم اطمینان از اتصال حدیث به امام علیه السلام - که در بررسی سندی و اعتباری این روایت بدان پرداختیم - این دلالت را کم‌رنگ می‌کند؛ زیرا این احتمال، هر چند ضعیف، وجود دارد که حضرت با قوه جسمانی باب خیبر را بلند کرده‌اند.

۱۴. «الروح ملک من الملائكة له سبعون الف وجه، و لكل وجه منها سبعون الف لسان لكل منها سبعون الف لغة يسبح الله تبارك و تعالی بتلك اللغات، كلها يخلق من كل تسبيحه ملك يطير مع الملائكة يوم القيامة»

### وضعیت سند

هیچ نشانی از سند این روایت در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، با وجود نقل کامل آن، نیست؛ اما در برخی تفاسیر اهل سنت، از جمله تفسیر ابن کثیر دمشقی<sup>۷۱</sup> و جامع البیان<sup>۷۲</sup> افرادی به عنوان راویان این حدیث معرفی شده‌اند. این روایت بیشتر در تفسیر آیه «يسئلونك عن الروح قل الروح من امر ربي»<sup>۷۳</sup> آمده است.

۶۹. تفسیر الرازی، ج ۲۱، ص ۹۱.

۷۰. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۱-۳۲.

۷۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۶۵.

۷۲. جامع البیان، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۷۳. سوره اسراء، آیه ۸۵.



### کیفیت استفاده ملاصدرا از روایت در بحث تجرد نفس

در تحلیل نحوه استفاده ملاصدرا از این روایت در اثبات تجرد نفس، از شکل اول قیاس منطقی استفاده شده است:

مقدمه ۱. نفس انسانی از فرشتگان الهی است. (متن روایت)

مقدمه ۲. فرشتگان الهی مجرد هستند.

نتیجه. نفس انسانی مجرد است.

با فرض این که بپذیریم مقدمه ۲ صحیح است؛ یعنی فرشتگان الهی مجرد هستند، با صحت مقدمه اول این استدلال منتج خواهد بود؛ یعنی این که ثابت شود منظور از روح در این روایت، همان نفس انسانی است. اما بنا به دلایلی که بیشتر در کتب تفسیری ذیل تفسیر آیه «و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی» و دیگر آیاتی که در توضیح معانی مختلف واژه «روح» آمده، می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از مفسران بزرگ، مانند علامه طباطبایی<sup>۷۴</sup> و امام فخر رازی<sup>۷۵</sup> روح را در شمار یکی از ملائکه قرار نمی‌دهند. با این وصف، مقدمه اول استدلال ملاصدرا مخدوش است؛ البته همان طور که ذکر گردید، یکی از معانی روح در تفاسیر، نفس انسانی است؛ اما این معنا برای این استدلال کافی نیست؛ چون هنوز مقدمه اول (نفس انسانی از فرشتگان الهی است) اثبات نشده است.

بنا بر این، این روایت برای اثبات تجرد نفس انسانی از مادیات و علائق جسمانی - آن گونه که ملاصدرا در اسفار از آن بهره برده است - ناقص و نارسا است.

۱۵ و ۱۶. «لن یلج ملکوت السماوات من لم یولد مرتین» و «لا یصعد إلی السماء الا من نزل منها»

#### وضعیت سند و اعتبار دو روایت

روایت «لن یلج ملکوت السماوات من لم یولد مرتین» تنها در چهار منبع آمده است: تفسیر ابن عربی، تفسیر آلوسی، الاسفار الاربعه ملاصدرا (۲ جلد) و شرح فصوص حکم. هیچ یک از این کتاب‌ها جزء منابع روایی نیستند تا بر آن اساس بتوان در باره اعتبار یا سند روایت قضاوت کرد.

۷۴. المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۷۵. تفسیر الرازی، ج ۲۱، ص ۳۹.

ابن عربی در کتاب تفسیرش این روایت را سخن حضرت عیسی علیه السلام می‌داند،<sup>۷۶</sup> اما در متن عربی تورات و انجیل و انجیل برنابا نقلی از این روایت یا مشابهات آن وجود ندارد.<sup>۷۷</sup> به نظر می‌رسد به دلیل پیشینه تفسیر ابن عربی در میان این پنج منبع، دیگر منابع چهارگانه، این روایت را از ابن عربی نقل کرده باشند.

روایت «لا یصعد إلی السماء الا من نزل منها» - که به نقل از حضرت عیسی علیه السلام است - در بیشتر منابع شیعه به عنوان قسمتی از مناظره‌ای نقل شده است که میان حضرت امام رضا علیه السلام و علمای نصرانی در جلسه‌ای که مأمون عباسی ترتیب داده بود، ایراد شده است. متن کامل این روایت بدین شرح است:

لا یصعد إلی السماء الا من نزل منها الا راكب البعیر {الجمل} خاتم الانبیاء فانه یصعد  
الی السماء وینزل.<sup>۷۸</sup>

به گواهی منابع روایی، در این مناظره جاثلیق، دانشمند مسیحی، در پاسخ به امام اعتراف می‌کند که این سخن از حضرت عیسی علیه السلام صادر شده است. نقل مناظره به جز در این منبع، در دیگر منابع حدیثی معتبر شیعه، از جمله عیون اخبار الرضا و الاعتقادات فی دین الامامیه و منابع نیمه معتبر، مانند الإحتجاج و بحار الانوار آمده است. گرچه ممکن است برخی از منابع مانند بحار الانوار این روایت را از کتب شیخ صدوق - که نزدیک به عصر حضور معصومان است - نقل کرده باشند، ولی کثرت نقل آن موجب اطمینان از صدور این روایت از امام رضا علیه السلام شده است.

### کیفیت استفاده ملاحظه‌در از روایت در بحث تجرد نفس

#### روایت اول

ملاحظه‌در در توضیحات خود ذکر می‌کند که ولادت دوم و ویژه عارفان کاملی است که موت ارادی را تجربه کرده‌اند. چنین افرادی با اراده خویش روحشان را از بدن مادی جدا می‌کنند و دو باره برمی‌گردانند. این سخن بدین معنا است که روح، ذاتی غیرمادی داشته و قابلیت تجرد از بدن دارد.<sup>۷۹</sup> این نحوه دلالت برای اثبات غیرمادی بودن نفس درست است، اما

۷۶. تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۶۹.

۷۷. گفتنی است جست و جودر متن عربی تورات و انجیل از سایت Arabicbible انجام گرفت و نتیجه‌ای در بر نداشت.

برای اطلاعات بیشتر رک: [www.arabicbible.com](http://www.arabicbible.com)

۷۸. التوحید، ص ۴۲۶ - ۴۲۷.

۷۹. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۵، ص ۲۱۸.

استناد این دلالت به قولی است که در انتساب آن به معصوم (ائمہ علیہم السلام یا حضرت عیسی علیہ السلام) هیچ سند و مدرکی در دست نداریم. بنا براین نمی‌توان به طور قطع این عبارت را حدیث و دلالت آن را نقلی نامید.

### روایت دوم

ملاصدرا در *المبدأ والمعاد*، روایت مذکور را شرح آیه «یا أيتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة»<sup>۸۰</sup> می‌داند؛ بدین معنا که نفس مطمئنه به مقامی برمی‌گردد که قبلاً در آن جا قرار داشته است و این مقام، حضور رب است.<sup>۸۱</sup> با این شرح، وجه دلالت برای اثبات تجرد نفس تا حدی معلوم می‌شود؛ بدین صورت که از آن جا که رب، مجرد است، نفس مطمئنه - که حضور او را دریافته - نمی‌تواند آلوده به جسمانیت و مادیت باشد و او همچون پروردگارش باید مجرد باشد. با این توصیف ما باید «سما» را در این روایت به معنای مجازی آن برگردانیم، یعنی «حضور حضرت رب» و به تعبیر ابن عربی «سما روحانی».<sup>۸۲</sup>

نکته‌ای که در این دلالت باید مورد توجه قرارگیرد، معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. در باره جسمانی یا روحانی بودن معراج میان عالمان و محدثان شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. به باور عموم اندیشمندان شیعه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جسمانی بوده است و دلایلی در این خصوص ارائه داده‌اند.<sup>۸۳</sup>

بدین ترتیب، اگر مدلول این روایت، معراج جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد، دلالت این روایت برای اثبات تجرد نفس منتفی خواهد شد و اگر بسان برخی اندیشمندان اهل سنت براین باور باشیم که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روحانی بوده و نفس و روح ایشان به آسمان‌ها و بیت المقدس عروج کرده است، در آن صورت می‌توان به دلالت حدیث برای تجرد نفس پی برد؛ لکن با وجود شواهد و ادله شیعی و بسیاری از منابع اهل سنت،<sup>۸۴</sup> معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جسمانی بوده است.

۸۰. سوره فجر، آیه ۲۷ و ۲۸.

۸۱. *المبدأ والمعاد*، ص ۴۱۱ - ۴۱۳.

۸۲. *تفسیر ابن عربی*، ج ۱، ص ۶۹.

۸۳. *بحار الأنوار*، ج ۱۸، ص ۲۸۴ - ۲۹۱.

۸۴. در جلد ۱۸ *بحار الأنوار*، باب سوم، به نقل از سایر اسناد و منابع در مورد اثبات معراج و معنا و کیفیت آن بحث بسیار مفصلی شده است نیز دلایلی از آیات و روایات در جسمانی بودن معراج آورده شده است.

### جمع‌بندی بررسی‌های صورت گرفته برای روایات مربوط به تجرد نفس

پس از ارائه گزارشی فشرده از بررسی هر روایت به جمع‌بندی این بخش می‌پردازیم. این جمع‌بندی شامل ویژگی‌های نسبتاً مشترک در شانزده روایت است که به دو بخش سند و اعتبار روایت و مضمون و مدلول روایت تقسیم‌بندی شده است. در قسمت سندی و اعتباری به دلیل اختلاف مبنایی در پذیرش روایات، آمار در دو بخش شیعه و اهل سنت ارائه شده است.

#### جمع‌بندی بررسی‌های سندی و اعتباری روایات مربوط به اثبات تجرد نفس

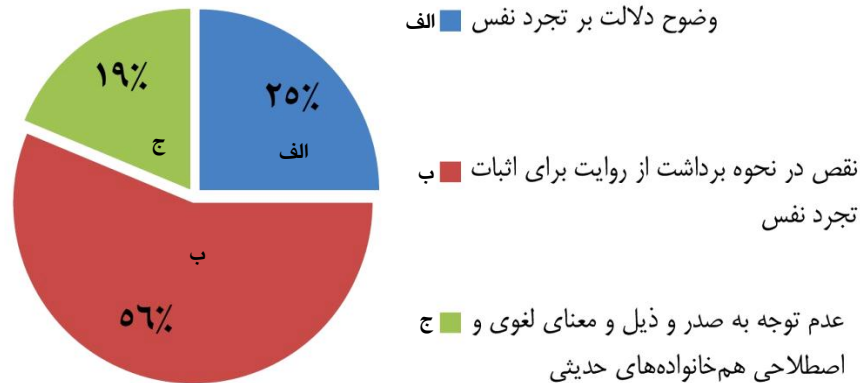
عنوان ویژگی	مذهب	تعداد روایات	متن روایات
قوت سند و اعتبار روایت	شیعه	۳	.... ما كنت اعبد رباً لم أره ... لا تدركه العيون في مشاهدة الابصار ولكن رأته القلوب بحقائق الايمان من رأني فقد رأى الحق لا يصعد إلى السماء الا من نزل منها
	اهل سنت	۴	أبیت عند ربی يطعمنی ویسقینی أنا النذیر العریان قلب المؤمن بین إصبعین من أصابع الرحمان من رأني فقد رأی الحق
روایات بدون سند	شیعه	۱۲	أبیت عند ربی يطعمنی ویسقینی أنا النذیر العریان رب أرنی الأشياء كما هی قلب المؤمن عرش الله قلب المؤمن بین إصبعین من أصابع الرحمان لی مع الله وقت لا یسعی فیہ ملک مقرب ولا نبی مرسل من عرف نفسه فقد عرف ربه أعرفکم بنفسه أعرفکم بربه المؤمن أعظم قدراً عند الله من العرش قلعته بقوة ربانية لا بقوة جسمانية لن یلج ملکوت السماوات من لم یولد مرتین الروح ملک من ملائكة الله له سبعون الف وجه ...
	اهل سنت	۹	رب أرنی الأشياء كما هی لی مع الله وقت لا یسعی فیہ ملک مقرب ولا نبی مرسل .... ما كنت اعبد رباً لم أره ... لا تدركه العيون في مشاهدة الابصار ولكن رأته القلوب بحقائق الايمان من عرف نفسه فقد عرف ربه أعرفکم بنفسه أعرفکم بربه قلعته بقوة ربانية لا بقوة جسمانية لن یلج ملکوت السماوات من لم یولد مرتین

عنوان ویژگی	مذهب	تعداد روایات	متن روایات
			.المؤمن أعظم قدرا عند الله من العرش .لا يصعد إلى السماء الا من نزل منها
روایات مورد تردید در اتصال به معصوم (شیعه) یا عادل (اهل سنت)	شیعه	۱	.خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفى عام
	اهل سنت	۱	.الروح ملك من ملائكة الله له سبعون الف وجه ...
روایات مردود	شیعه	۰	_____
	اهل سنت	۲	.خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفى عام. قلب المؤمن عرش الله

**جمع بندی تحلیل های مضمونی و مدلولی روایات مربوط به اثبات تجرد نفس**

عنوان ویژگی	تعداد روایات	متن روایات
وضوح دلالت بر تجرد نفس	۴	.خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفى عام .... ما كنت اعبد ربا لم أزه ... لا تدركه العيون فى مشاهدته الابصار ولكن رأته القلوب بحقائق الايمان .قلعته بقوة ربانية لا بقوة جسمانية .لن يلج ملكوت السماوات من لم يولد مرتين
نقص در نحوه برداشت از روایت برای اثبات تجرد نفس	۹	.أبيت عند ربي يطعمنى ويسقيني .رب أرنى الأشياء كما هي .قلب المؤمن بين إصبعين من أصابع الرحمان .لئى مع الله وقت لا يسعنى فيه ملك مقرب ولا نبى مرسل .من عرف نفسه فقد عرف ربه .أعرفكم بنفسه أعرّفكم بربه .المؤمن أعظم قدرا عند الله من العرش .لا يصعد إلى السماء الا من نزل منها .قلب المؤمن عرش الله
عدم توجه به صدر و ذیل و معنای لغوی و اصطلاحی هم خانواده های حدیثی	۳	.أنا النذير العريان .من رآنى فقد رأى الحق .الروح ملك من ملائكة الله له سبعون الف وجه ...

نمودار تحلیل مضمونی و مدلولی احادیث تجرد نفس در کتاب النفس الاسفار الاربعه



### نکات قوت و ضعف ملاحظه‌ها در نقل و استفاده از حدیث در مبحث تجرد نفس

این بخش که در واقع نتیجه‌گیری نهایی از تمامی بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله است به ذکر نکات قوت و ضعف ملاحظه‌ها در نقل و نوع استفاده وی از احادیث در مباحث فلسفی و کلامی می‌پردازد.

#### ۱. توجه به منابع نقلی و روایی

صرف توجه به منابع نقلی و روایی در اثبات یا رد مبحث یا عقیده‌ای به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت ملاحظه‌ها در استفاده‌های حدیثی در کتاب اسفار به شمار می‌رود. گرچه در این مسیر نقص، سوء برداشت و برخی بی‌توجهی‌ها وجود دارد، اما در بسیاری از مباحث راه را برای تتبع و تحقیق دیگر پژوهش‌گران در استفاده از این منابع روایی باز گذاشته است.

#### ۲. اختصاص حجم کمی از اسفار به مباحث حدیثی

با این که توجه به منابع روایی در اسفار یک حسن بزرگ در کار حدیثی ملاحظه‌ها است، در بسیاری از بحث‌های حدیثی اسفار که معمولاً در انتهای هر مبحث انجام می‌شود تنها به نقل یک یا چند روایت بسنده شده و در باره نحوه دلالت روایت بر مبحث مورد نظر بررسی عمیقی انجام نشده است. این کاستی، زمینه‌ساز یک ضعف بزرگ است که در بند پنجم بیان خواهد شد.

### ۳. استخراج روایات از منابع غیر حدیثی

آن گونه که در تحلیل آماری سند و اعتبار روایات ذکر شد، درصد بالایی از احادیث مندرج در سفر از منابع غیر حدیثی، مانند کتب تفسیری، عرفانی و... گرفته شده است. شواهد این مدعا آن است که در سند و اعتبار بیشتر روایات نقل شده نقص و تشکیک وجود دارد و درصد کمی از آنها اسناد محکمی دارد و صحت صدور آن معتبر است. ناگفته خود پیدا است که منابع حدیثی معتبر، روایات معتبر و دارای سند را نقل کنند، ولی منابع غیر حدیثی چنین رویکردی ندارند. این مسأله به تنهایی یک نقص در کار ملاحظه را به شمار می‌رود؛ زیرا نخستین شرط لازم برای تتبع حدیثی، مراجعه به منابع معتبر و دست اول است نه منابع تفسیری و عرفانی.

البته باید دانست که مستندات کافی برای استفاده فراوان ملاحظه را از منابع دست دوم در اختیار نیست، اما با توجه به نوع استفاده وی از روایات و نوع اسناد و مدارک اعتبار آنها و همچنین ترتیب نقل آنها می‌توان فرضیه استفاده فراوان ملاحظه را از منابع دست دوم را قریب به یقین دانست. با این همه، اشکال جدی در این باب، استفاده کم صدر المتألهین از روایات با اسناد و مدارک محکم در اتصال به معصوم یا عادل است.

### ۴. کم توجهی به صدر و ذیل، مصطلحات لغوی و هم خانواده های حدیثی

در بررسی های مدلولی گفتیم در صورتی که ملاحظه را به مصطلحات لغوی و وجوه معانی واژه «الحق» و «روح» در احادیث مربوط توجه می‌داشت، هرگز از آنها در اثبات بحث تجرد نفس استفاده نمی‌کرد. همچنین در برخی روایات، مانند روایت «انا النذیر العریان» - که توجه به صدر و ذیل روایت و اصطلاحات لغوی آن تأثیر بسیاری در فهم دلالت آن دارد - از نظر ملاحظه را مغفول مانده است.

### ۵. نقص در نحوه دلالت و برداشت از روایت در اثبات یا رد یک مبحث

بزرگ ترین ضعف در کار حدیثی ملاحظه را نواقص و اشکالات متعددی است که او در نحوه دلالت و برداشت از روایت برای اثبات یا رد یک مبحث دارد. این کاستی، در بررسی تک تک روایات اشاره شد و در تحلیل آماری نیز تصریح شد که تنها در نحوه دلالت چهار روایت از شانزده روایت نقص و اشکالی دیده نمی‌شود. این ضعف ثمره آن است که در بسیاری از مواضع ملاحظه را تنها به ذکر یک یا چند روایت بسنده می‌کند و در باره نحوه دلالت آن روایت بر مبحث مورد نظر سخنی عمیق و بحثی دقیق ندارد. از این رو، برای یافتن نوع و

نحوه دلالت به ناچار باید به دیگر آثار ملامت‌درا که همان روایت یا دیگر قرینه‌ها و شواهد در آن نقل شده مراجعه کرد.

### کتابنامه

- الامالی، الشيخ المفید، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، دوم، ۱۴۱۴ق.
- الإمامة وأهل البيت، محمد بیومی مهران، بی‌جا، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية، ۱۹۹۵م/۱۴۱۵ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۹۸۳م/۱۴۰۳ق.
- تاج العروس، مرتضی زبیدی، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۴م/۱۴۱۴ق.
- تذکرة الموضوعات، الفتنی، بی‌جا، بی‌تا.
- تصحیح اعتقادات الإمامية، محمد بن محمد نعمان (شیخ مفید)، بیروت: دار المفید، دوم، ۱۹۹۳م/۱۴۱۴ق.
- تفسیر ابن عربی، محیی‌الدین ابن عربی، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ۲۰۰۱م/۱۴۲۲ق.
- تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، اسماعیل بن عمر (ابن کثیر)، بیروت: دار المعرفة، ۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق.
- تفسیر الألوسی (روح المعانی)، شهاب‌الدین محمود بن عبد الله الحسینی (الألوسی)، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ق.
- تفسیر الرازی (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۹۸۱م/۱۴۰۱ق.
- التوحید، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، بی‌تا.
- تهذیب الکمال، جمال‌الدین یوسف مزّی، بیروت: چهارم، ۱۹۸۵م/۱۴۰۶ق.
- جامع البیان، محمد بن جریر طبری، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۵م/۱۴۱۵ق.
- الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، محمد صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، سوم، ۱۹۸۱م.
- الخرائج والجرائح، قطب‌الدین راوندی، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت، ۱۴۰۹ق.
- الذریعة الی تصانیف الشیعه، محمد محسن آقا بزگ تهرانى، بیروت: دار الاضواء، الطبعة



- الثانيه، بي تا.
- سنن الترمذى، محمد ترمذى، بيروت: دار الفكر، دوم، ١٩٨٣م/١٤٠٣ق.
- سنن الدارمى، عبد الله بن بهرام دارمى، دمشق: مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق.
- سنن الكبرى، البيهقى، بيروت: دار الفكر، بي تا.
- شرح الأسماء الحسنى، ملاهادى سبزواري، قم: منشورات مكتبة بصيرتى، بي تا.
- شرح مئة كلمة لأبي المير المؤمنين، ابن ميثم بحراني، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، بي تا.
- صحيح البخارى، محمد بخارى، بيروت: دار الفكر، بي تا.
- صحيح مسلم، مسلم نيشابورى، بيروت: دار الفكر، بي تا.
- عوالى اللئالى، ابن ابى الجمهور احسايى، قم: مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت :، اول، ١٩٨٣م/١٤٠٣ق.
- الفتوحات المكيه، محيى الدين ابن عربى، بيروت: دارصادر، بي تا.
- فتوحات مكيه، ابن عربى، بيروت: دارصادر، بي تا.
- الكافى، ابوجعفر محمد بن يعقوب كلينى، تهران: دار الكتب الإسلامية، پنجم، ١٣٦٣ش.
- كشف الخفاء، إسماعيل عجلونى، بيروت: دار الكتب العلمية، سوم، ١٩٨٨م/١٤٠٨ق.
- لسان العرب، جمال الدين ابوالفضل محمد بن مكرم (ابن منظور)، قم: نشر أدب الحوزة، ١٤٠٥ق.
- لسان الميزان، ابوالفضل شهاب الدين احمد بن على بن محمد (ابن حجر عسقلانى)، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، دوم، ١٩٧١م/١٣٩٠ق.
- المبدأ والمعاد، محمد صدرالدين شيرازى (ملاصدرا)، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، سوم، ١٣٨٠ش.
- مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، اخراج و مقابله و تصحيح: هاشم رسولى، قم: مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت :، بي تا.
- مسند احمد، احمد ابن حنبل، بيروت: دار صادر، بي تا.
- معانى الاخبار، الشيخ الصدوق، تصحيح و تعليق: على اكبر غفارى، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، ١٣٧٩ش / ١٣٣٨ق.
- منهاج الصالحين، ابوالقاسم خويى، حاشيه: وحيد خراسانى، قم: مدرسه الامام باقر العلوم ٧، بي تا.

- الموضوعات، ابوالفرج عبدالرحمن بن علي (ابن جوزي)، المدينة المنورة: المكتبة السلفية، ١٩٦٦م/١٣٨٦ق
- الميزان، سيد محمد حسين طباطبائي، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، اول، ١٤١٢ق.
- نهج البلاغه، ابوالحسن محمد بن الحسين بن موسى (شيخ رضى)، تحقيق: صبحي صالح، قم: دار الهجرة، بي تا.
- الولاية التكوينية لآل محمد:، سيد على عاشور، بي جا، بي تا.